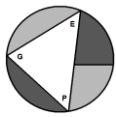


Extensive Editorial Note to Khajeh-Sarvari & Ghaemi-Talab's article in Persian and English

تحلیل انتقادی گفتمانی و محتوایی طنز

با توجه به گزارش داورهای موجود و اینکه پژوهشگران پس از دریافت گزارش‌های داور به بهبود مقاله پرداخته‌اند، هیأت تحریریه انتشار مقاله حاضر را تأیید کرد. قابل ذکر است که انجمن مطالعات اتنوژئوپولیتیک و نشریه آن سلیق سیاسی را در تأیید مقالات دخالت نمی‌دهند. برای ما کیفیت یک مقاله و به‌ویژه درستی روش‌های تحقیق موردنظر است. نویسندگان حق دارند که سلیق سیاسی و نظری خود را داشته باشند، گرچه نویسندگان این مقاله سلیق خود را مشخص نکرده‌اند و به‌صورت حرفه‌ای و علمی به بررسی و آنالیز داده‌ها پرداخته‌اند.

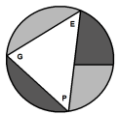
تاکنون مطالب زیادی درباره مطبوعات ایران نوشته شده و بیشتر اوقات با پیش‌داوری و بدون پژوهش علمی و بررسی داده‌های عینی به آن پرداخته شده. رسانه‌های خارج از ایران اکثراً بدون بررسی‌های لازم از جو بسته مطبوعات ایران صحبت می‌کنند. مقاله حاضر با تحلیل مقالات چاپ‌شده نتیجه‌ای می‌گیرد که با این‌گونه مواضع همخوانی ندارد. قابل ذکر است که طنز ویژگی‌های خودش را دارد و بسیاری از اوقات بایدها و نبایدهای دیگری و متفاوت از دیگر نشریات دارد؛ بنابراین تحلیل محتوای طنز سیاسی روش مناسبی است برای بررسی تغییر گفتمان پس با توجه بر (Dijkink 1996) از رخدادهای تاریخی مهم در یک کشور اینکه این مقاله به تحلیل محتوای گفتمان موجود مجلات طنز سیاسی پس از دو رخداد مهم در تاریخ ایران، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی و پایان جنگ تحمیلی پرداخته، این پژوهش نیز یک گونه تحلیل گفتمان انتقادی



است که سیستماتیک، سازمان‌یافته و سامان داده‌شده است. گرچه بیشتر انواع تحلیل‌های گفتمان در علوم انسانی به نقش زبان می‌پردازند و کمتر جنبه کمی دارند، با توجه بررسی‌ها به پیش‌زمینه‌ها و قرار دادن بایدها و نبایدها در چارچوب آن‌ها و در طول زمان، می‌توان گفت که روش به‌کاررفته در تحقیق این مقاله یک‌گونه تحلیل محتوا شبیه روش‌هایی از تحلیل گفتمان است که سیستماتیک و سازمان‌یافته هستند و کمتر جنبه زبان‌شناسی دارند و در درجه اول به مشاهده تغییر گفتمان (غالب) و یا اجزای تشکیل‌دهنده آن، در روند زمان می‌پردازند. گرچه بیشتر مقالات زبان در گفتمان می‌پردازند، مقاله حاضر تحلیل گفتمان عمیق‌تر به نقش نیز همانند بیشتر مقالات تحلیل گفتمان که به نقش پیش‌زمینه‌های تولید متن می‌پردازند و اعتقاد دارند که یک متن تنها با اشاره به و فهم این پیش‌زمینه‌ها معنی پیدا می‌کند، به نقش پیش‌زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و حتی حقوقی این نشریات پرداخته. افزون بر این طبقه‌بندی و سازمان‌دهی داده‌ها نقطه قوت این مقاله است که آن‌ها از بسیاری مقالات تحلیل گفتمان متمایز می‌سازد.

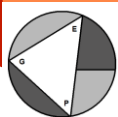
i

تحلیل محتوا به‌طور کلی یک روش تحقیق کیفی است، گرچه جوانب کمی نیز دارد. از آنجایی‌که پژوهشگران همه شماره‌های موجود مجلات را در تحلیل وارد کرده‌اند، جامعه آماری و سایر مباحث آماری و ایرادات بر جامعه آماری، به این‌گونه پژوهش‌ها مانند مقاله حاضر، مربوط نیست. حتی اگر همه شماره‌های موجود نیز بررسی نمی‌شد، یک پژوهش کیفی ارزشمند می‌بود چراکه یک پژوهش کیفی صرفاً در پی تعمیم نتایج نیست و اهداف دیگری از جمله کاوش و بحث در معنی را دنبال می‌کند. برای نشان دادن توافق بین کدگذاری، پژوهشگران اسکات



پی را حساب کرده‌اند که بسیار بالا بود. گرچه این قابل‌تحسین است، اما صرفاً لازم نیست. از جایی که تحلیل محتوا روشی است که وقت زیادی مصرف می‌کند، کدگذاری و تحلیل محتوا توسط یک پژوهشگر نیز به‌خودی‌خود ارزشمند است.

با برخی اظهارات نویسندگان و داورها موافق نیستم و این امری عادی است. دو نفر لزوماً همیشه باهم هم رأی و هم اندیشه نیستند، گرچه به‌طورکلی با آن‌ها هم رأی هستم و نوشتارشان را ارزشمند می‌پندارم. برای نمونه نویسندگان معتقد هستند که دادن صفت طنزآمیز به غیرخودی صورت می‌گیرد. من اعتقاد دارم که شوخی بیشتر با خودی‌ها صورت می‌گیرد. برای نمونه می‌توان به جوک‌های شهری و قومیتی پرداخت که معمولاً در یک کشور و میان شهرها و اقوام آن کشور صورت می‌گیرد. جدا از اینکه آیا این‌گونه جوک‌ها امر پسندیده‌ای هستند یا نه و با اقرار بر اینکه می‌توانند آسیب‌هایی هم در پی داشته باشند، باید گفت که مردم یک کشور باهم مأنوس هستند و این‌گونه جوک‌ها میان مردم کشورهایی که باهم مأنوس نیستند صورت نمی‌گیرند. نویسندگان نیز از برخی واژه‌ها استفاده کرده‌اند که در زبان امروز محاوره‌ای کمتر به کار می‌روند. برای مثال به واژه محاجات می‌توان اشاره کرد. توضیح بیشتر در مورد این واژه‌ها و تاریخچه این سبک و پدیده‌های ادبی می‌توانست برای درک بهتر خواننده سودمند باشد. گرچه با فرض بر اینکه خواننده با تئوری آشنا هستند، نویسندگان یک مقاله می‌توانند تصمیم بگیرند که از شرح تئوری‌ها خودداری کنند و یا خیلی کوتاه به آن‌ها



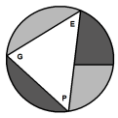
پیردازند. نویسندگان این مقاله به شرح توضیح تئوری‌ها پرداخته‌اند که به نظر من امر شایسته‌ای است، زیرا همه خوانندگان پیش‌زمینه علمی واحدی ندارند. از این رو مقاله برای خوانندگان بیشتری قابل فهم می‌شود. بنا بر خواست داورها نتایج داوری آن‌ها ناشناس منتشر شده‌اند. ترجمه آن‌ها به انگلیسی توسط خود من صورت گرفته. دخل و تصرف در ویراستاری و ترجمه به حداقل ممکن تقلیل یافته و بنابراین خللی در ترجمه ایجاد نمی‌کند. ترجمه انگلیسی به‌طور کلی بامعنی متون فارسی همخوانی دارد؛ بنابراین مقاله حاضر بدون دخالت دادن نظرهای سیاسی، نظری و سایر سلايق شخصی و با رجوع به گزارش‌های داوری برای انتشار تأیید گردید.

بابک رضوانی سردبیر نشریه و رئیس هیئت‌مدیره انجمن مطالعات
انژونوپولیتیک، آمستردام، هلند

i: (Richardsson 2019: 15-44; Titscher et al. 2019: 55-73; Van Dijk 2011 نمونه برای
رجوع شود به

Critical Discourse and Content Analyses of Satire

Relying on the referee evaluations and considering the fact that the authors improved their article after receiving the referee reports, the editorial board of our journal *Forum of EthnoGeoPolitics* decided to accept this current article, as an original research paper, for publication. It should be noted that the Association for the Study of

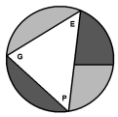


EthnoGeoPolitics and its publications do not rely on political tastes, ideologies or opinions, for the acceptance and approval of articles. For us, the quality of an article and especially the accuracy of research methods are important criteria. We believe that all authors have the right to have their own political and theoretical tastes, which may or may not be manifest in their writings, even though the authors of this article have not specified their tastes and have studied and analysed the data rather professionally and objectively.

Perhaps it is fair to say that most articles written until now about the Iranian media and press have shown a certain normative and judgmental character and lack a systematic, objective and hence scientific analysis of data. Media channels outside Iran often talk about restrictions imposed on the Iranian press often without a systematic analysis of the available material. Therefore the current study differs from them as it systematically analyses the available selected material, i.e. the available numbers of two leading Iranian political satirical magazines.

It is important to note that satire has its own characteristics and often has other “do’s and don’ts” different from those of other types of publications. Therefore, a content analysis of political satire, or even cartoons, is a good method to study the change of hegemonic discourses after historical peak-experiences (i.e. important historical events) in a country (Dijkink 1996).

This research is also a kind of systematic and organised critical discourse analysis as it analyses the political satirical material after two

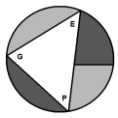


important Iranian historical peak-experiences, i.e. the Islamic Revolution and (the end of) the Iran-Iraq War, called the Sacred Defense in the Iranian literature. In addition to the analysis of text, also, visual analysis of, for example, cartoons, or even flags and political symbols, could be used in content analysis (see. e.g. Rezvani 2020).

Although most types of discourse analysis in the humanities focus on the role of language rather than a systematic count of frequency of appearance of certain words or phrases, also this current study could be classified as a type of critical discourse analysis as the authors pay due attention to the relevant contexts and put the “do’s and don’ts” within them and over time.

In fact, this current study is a kind of critical content analysis similar to methods of discourse analysis that are systematic and organised and have less linguistic aspects, and primarily observe and discuss the change of (dominant) discourse, or its components, in the course of time. The authors of this current study, similar to those of most articles that apply a kind of critical discourse analysis, discuss the role of historical, social and political backgrounds, context(s), and intertextuality in text production, and believe that a text makes sense only by referring to and understanding such intertextuality, backgrounds and contexts. In addition, the classification and organisation of data is the strength of this article, which distinguishes it from a lot of other studies that apply discourse analyses (see e.g. Richardsson 2019: 15-44; Titscher et al. 2019: 55-73; Van Dijk 2011).

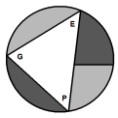
Content analysis is mainly a qualitative research method, even though



it has also quantitative aspects as it counts the frequency of certain words, phrases or even themes. The authors have included all available issues of journals in the analysis, therefore issues related to the statistical population and statistical issues related to it are not really relevant to this current research. Even if not all available issues were examined, still such a qualitative research would be valuable because a qualitative research does not merely generalise the results, and pursues other goals such as exploring and discussing “meaning”. To show the agreement between the coders, the researchers calculated Scott’s Pi, which appeared to be very high. While this is commendable, it is strictly not necessary. As content analysis is a time-consuming method, also coding and analysis by one researcher is valuable.

I do not agree with certain statements made by the peer-reviewers and authors of this paper. This is a normal and common practice in academic research and writing. Two people do not necessarily always agree with each other, even though I find with the researchers’ mainly objective method of analysis and rather neutral wordings of their research paper quite commendable.

Hence, I agree with most statements made by the researchers but not all. For example, they stated that outsiders (or better said foreigners) are usually targets of jokes. I believe that more jokes are made about insiders. For example, there are many jokes in one country about its different cities and ethnic groups. Regardless of whether such jokes are good or not, and admitting that they can cause harm, it must be said that the people of a country are familiar with each other. Such jokes are not prevalent among the people of different countries that are not familiar with each other’s culture and countries.



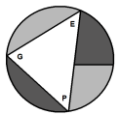
The authors have also used some words that are less commonly used in contemporary modern Persian language. An explanation of these words and history of such literary styles could be useful for a better understanding of their argument by readers. Assuming that the readers of an article are familiar with certain theories, the authors may skip a discussion of these theories or address them briefly. The authors of this article have chosen to discuss these theories, which I think is appropriate, because not all readers have the same scientific background. Hence, their article has become intelligible to more readers.

At the request of the reviewers, their peer-reviews are published here as critical responses anonymously. The current article is accepted for publication relying on the reviewers' peer reviews and recommendations and without any consideration of political, theoretical or personal opinions and understandings. The anonymously published peer reviews have been translated into English by myself in a way that the English translation remains consistent with the meaning of the original text.

Babak Rezvani is Editor-in-Chief and Chairman of the Board of the Association for the Study of Ethnogeopolitics, Amsterdam, the Netherlands bkrezvani@gmail.com

References

Dijink, G. (1996). *National Identity and Geopolitical Visions: Maps of Pride and Pain*. London: Routledge.



Rezvani, B. (2020). 'Islamic Immaterial Culture and Ethnopolitical Symbols in Georgia and the Russian Federation'. *Anthropology of the Middle East*, Vol. 15, No. [?], pp.80-98.

Richardson, J. E. (2019). *Analysing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*. London & Berlin: Springer Nature.

Titscher, S, M. Meyer; R. Wodak & E. Vetter (2000). *Methods of Text and Discourse Analysis: In Search of Meaning*. Translated by Bryan Jenner. London: Sage.

Van Dijk, T. A. (2011). 'Introduction: Discourse Analysis in (Mass) Communication Research', in: *Discourse and Communication: New Approaches to the Analysis of Mass Media Discourse and Communication* (ed. Van Dijk, T. A.), pp.1-10. Berlin, New York: De Gruyter.